

مصارف فیء در قرآن

ارزانی داشت پس، از آن خدا است و از آن پیامبر است و از آن خویشان و یتیمان و بینوایان و دور افتادگان از وطن (که پریشان شده باشند و حکم مزبور برای این است که) تا مال عاید شده بین توانگران شما مسلمانان، دست به دست نگردد و آنچه را که پیامبر (به طیب خاطر) به شما مسلمانان بدهد آنرا بگیرید و آنچه را پیامبر شما و مسلمانان را از گرفتن آن منع کند باز ایستید و از مخالفت خدا بترسید زیرا البته خدا، سخت عقوبت است "

مصارف فیء

در آیه بالا چنانکه ملاحظه می کنید شش مصرف فیء بصراحت نام برده شده است .

در شماره گذشته گفتیم که در مورد " فیء " در قرآن در سوره حشر دو آیه ۶ و ۷ نازل شده است آیه ۶ مربوط به حکم " فیء " و معنای آن و آیه ۷ مربوط به تقسیم مال " فیء " و کیفیت آن می باشد یعنی مربوط به این مسأله می باشد که مصرف مال " فیء " چگونه است؟

آیه ۷ و توضیح آن:

" مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَالرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ "

" آنچه را که خدا بر پیامبرش (از اموال و املاک) اهل دهها (و شهرها)

مصرف اول سهم خدا (فَلِلَّهِ) و بديهي است اختصاص سهمی از اموال " فیء " بخداوند از این جهت نیست که خداوند مثل موارد مصرف فیء نیاز دارد زیرا او مالک مطلق همه اموال بلکه همه موجودات می باشد و او بی نیاز مطلق است بلکه تعیین سهمی برای خدا در حقیقت یک نوع احترامی است به گروههای دیگر که ذرهای احساس حقارت نکنند و سهم خود را همردیف سهم خدا محسوب بدانند و دیگران منتی بر آنها ندارند.

مصرف دوم سهم پیامبر است که تسا با آن بتواند نیازمندیهای شخصی خود را برآورده سازد و محتاج بدیگری نباشد به این معنی که اگر زعمیم و امام و رهبر یک جامعه محتاج بغیر باشد در انجام وظایف رسالت نمی تواند آزادانه وبدون توقع عمل کند بخصوص که سایر افراد جامعه به جهت منصب ولایت و امامت و ریاستی که دارند از آنها انتظاراتی دارند که حتی المقدور بتواند انتظارات آنها را از این سهم خود برآورده سازد.

مصرف سوم - سهم ذوی القربی ، مراد از ذوی القربی ، خویشاوندان پیامبر و بنی هاشم است که لازمست زندگی آنها بدون نیاز بدیگری آراه گردد بخصوص که آنان از گرفتن زکات که جزء اموال عمومی است محرومند و دلیل این مدعا همراه خودش است زیرا الف و لام داخل شده بر

" ذوی القربی " عوض از مضاف الیه است یعنی خویشاوندان پیامبر و بنی هاشم و گرنه معنی ندارد که مراد خویشاوندان عموم مردم باشد زیرا در این صورت همه مسلمانان را شامل می شود چرا که همه مردم خویشاوندان یکدیگرند و از این نظر اختلافی میان فقهاء و مفسران شیعه وجود ندارد و حتی برخی از بزرگان عامه نیز از قبیل امام فخر رازی در تفسیر کبیر ج ۲۹ و برسوئی در " روح البیان " و سید قطب در " فی ظلال القرآن " و مراغی در تفسیر خود و آلوسی در تفسیر " روح المعانی " این نظر را پسندیده و مورد قبول قرار داده اند.

و ذوی القربی گرچه بحسب ظاهر مطلق ذکر شده اعم از اینکه نیازمند باشد یا نه ولكن با توجه بذیل آیه (که انشاء .. آنرا مستقلا بحث خواهیم کرد) " کَيْلًا يَكُونُ دَوْلَةً بَيْنَ الْاَغْنِيَاءِ " فقر و نیاز در ذوی القربی نیز شرط می گردد .

و مصرف چهارم و پنجم و ششم - سهم یتیمان و مسکینان و دورماندگان از وطن می باشد که اسلام آنها را بعنوان افرادی که درمانده و نیازمند هستند در نظام قانونگزاری خود فراموش نکرده و سهمی برای آنها تعیین نموده است .

در این مساله که اموال فیء شش قسمت شده و بطور مساوی بین آنها تقسیم می گردد در میان شیعه ظاهرا اختلافی

و مسکنت می دهد .

سؤال

آیا در یتیمان و مسکینان و دورافتادگان از وطن شرط است که از بنی هاشم باشند یا نه؟ در این مسأله میان مفسران اختلاف است فقهاء بزرگ اهل سنت و مفسران آنها باتفاق عقیده دارند که بنی هاشم بودن یتیمان و مسکینان و دورافتادگان از وطن، شرط نیست و آیه عمومیت دارد .

ولکن روایاتی که از اهل بیت عصمت

و طهارت علیهم السلام رسیده در این مورد اختلافی دیده می شود .

از برخی از روایات، استفاده می شود

که این سه سهم مخصوص یتیمان و مستمندان

و این السبیل از فرزندان هاشم است و

سایرین در اینها حقی ندارند مثل روایتی

که مرحوم شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیر

" رُوحِ الْجَنَانِ وَرُوحِ الْجَنَانِ " ج ۱/ ۹۸ ذیل

آیه " فی " در سوره حشر از عبدالرحمن

بن ابی لیلی نقل می کند از علی (ع) که

فرمود من و فاطمه و عباس و زید بن

حارثه بدیدن رسول اکرم (ص) رفتیم و

گفتم ای رسول خدا اگر حق ما را در زمان

حیات خودت در اختیار ما قرار دهی

بعدها دیگران در آن با ما منازعه نمی کنند

و حضرت چنان کرد و این وضع در زمان

شیخین عملی شد تا آنکه من به عمر گفتم

بنی هاشم را در این زمان نیازی به تعیین

وجود ندارد چنانکه قرآن به صراحت آنرا

بیان می دارد و اما در مذاهب مختلفه

اهل سنت اختلافی در این مورد دیده

می شود مثلا شافعی عقیده دارد که اموال

فیء در زمان رسول خدا بر بیست و پنج

قسمت تقسیم می شد که $\frac{4}{5}$ آنها را که

بیست سهم باشد مخصوص رسول خدا بود که

در هر جا می خواست مصرف می کرد و خمس

باقی ($\frac{1}{5}$) را می بخشید اما بعد از وفات

آنحضرت در آن اختلاف پیدا کردند

(مذهب شیعه این است که ائمه که

جانشینان رسول خدا بودند در مصرف

اموال فیء استحقاق دارند و از اینرو اختیار

فیء در دست ائمه (ع) می باشد که امام

و حاکم وقت محسوب می گردند) و لکن

شافعی را در اینجا دو قول است یکی آنکه

اموال فیء باید در میان مجاهدان و آلات

و جهات و مصالح سرحدات مسلمین صرف

گردد و دیگری آنکه در هر موردی که

مصالح مسلمین آنها را اقتضا بکند صرف

می گردد از قبیل سد ثغور و تعمیر کاریرها

و بنای پل ها و کاروانسراها با مراعات

الاهم فالاهم بمصرف می رسد و اما خمس

غنائم و فیء در عقیده شافعی صرف در

مصالح مسلمین می گردد و سهم ذوی القربی

نیز بعد از مرگ رسول خدا ساقط نمی شود و

اما ابوحنیفه می گوید با مرگ پیامبر سهم

ذوی القربی ساقط می گردد منتهی امام

وقت چیزی بآنها از بابت رفع فقر و نیاز

الْمَرَادُ مِنْ قَوْلِهِ (وَلِذِي الْقُرْبَىٰ) بنوهاشم و بنو المطلب " بدانکه مفسران اتفاق کرده اند که مراد از ذی القربی در آیه فرزندان هاشم و مطلب می باشد "

و مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان ج ۱۹/۲۳۴ ذیل آیه فیء مینویسد " الْمَرَادُ بِذِي الْقُرْبَىٰ قُرَابَةُ النَّبِيِّ (ص) وَلَا مَعْنَىٰ لِجَمَلِهِ عَلَىٰ قُرَابَةِ عَامَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ هُوَ ظَاهِرٌ " مراد از خویشاوندان ما

خویشاوندان پیامبر می باشد و معنی ندارد که مراد از آن خویشاوندان جمع مؤمنین باشد و این نکته ظاهر است " و سپس می نویسد: وَقَدْ وَرَدَ عَنْ أَئِمَّةِ أَهْلِ الْبَيْتِ (ع) أَنَّ الْمَرَادَ بِذِي الْقُرْبَىٰ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ مِنْهُمْ " از اهل بیت علیهم السلام روایت شده که مراد از ذی القربی یتامی و مساکین و ابن السبیل از بنی هاشم می باشند غیر اینها "

و مرحوم طبرسی نیز در مجمع البیان روایتی از منهال بن عمر نقل می کند که از علی بن الحسین (ع) از معنای این آیه و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل سؤال کرد فرمود: هُمْ قُرَبَانَا وَ مَسَاكِينُنَا وَ ابْنَاءُ سَبِيلِنَا " یعنی آنان خویشاوندان ما و مساکین ما و ابن السبیل از طایفه بنی هاشم می باشند .

و نظیر این روایت را نیز مرحوم

اموال خاص نیست اگر آنرا در مصالح مسلمین صرف کنی شایسته است و بهنگام نیاز بار دیگر بنی هاشم از حق خود استفاده می کنند این عمل علی (ع) مورد رضایت عباس واقع نشد و بصراحت گفت من می ترسم از اینها (اشاره به اولیاء و حاکمان وقت) که حق ما را بما ندهند و هم چنان نیز شد که عباس پیش بینی کرده بود .

مرحوم شیخ ابوالفتوح رازی بعد از نقل این روایت می نویسد " به نزد ما (شیعیان) سهم ذوی القربی ، امام را باشد و نزد شافعی جمله خویشان را از دور و نزدیک و زن و مرد و خرد و بزرگ برطبق: مَا قَرَضَ اللَّهُ لِلذَّكَرِ مِثْلَ حَظِّ الْأُنثِيَّيْنِ ، و دلیل ما بیرون از اجماع فرقه و اخبار اهل بیت لام تعریف است که نیابت کرد از اضافه از قوله تعالى: وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ مِثْلَ حَظِّ الْأُنثِيَّيْنِ ، خداوند فرموده است و لذی القربی آل محمد (ص) و یتاماهم و مساکینهم و ابناء سبیلهم برای اینکه در ذوی القربی اجماع است گرچه مطلق است یعنی مراد ذی القربی آل محمد (ص) است " ۱

و از مفسران بزرگ و اهل سنت نیز کسانی هستند که بر طبق نظر مذهب شیعه نظر داده اند از جمله امام فخر رازی در تفسیر کبیر خود ج ۲۹/۲۸۵ که بصراحت می نویسد " وَأَعْلَمُ أَنَّهُمْ أَجْمَعُوا عَلَىٰ أَنَّ

۱- تفسیر ابوالفتوح رازی ج ۱۱/۹۹

سه نفر از طایفه انصار که بی بضاعت بودند و نیازمند تقسیم کرده و عملاً آنها را تفسیر فرمودند^۳

در خاتمه این بحث تذکر این نکته مفید است که فقهاء در سه مصرف اخیری در یتیمان و مساکین و ابن السبیل ایمان را شرط دانسته اند و در ایتام، فقر را و در "ابن السبیل" نیاز در محل تسلیم مال را گرچه در شهر خودش بی نیاز باشد و در اینجا احتیاط کرده اند که سفر او معصیت نباشد و بیش از مقدار نیاز نیز به او داده نشود و باتفاق آراء فقهاء و مراجع عدالت در مستحقین فی را شرط نمی دانند منتهی احتیاط این است که به مرتکبین گناهان کبیره داده نشود.

- ۲- مجمع البیان ج ۲۶۱/۹- وسائل الشیعه ج ۳۸۶/۶ حدیث ۱۲ از باب ابان انفال
 ۳- برای توضیح بیشتر به وسائل الشیعه ج ۳۵۶/۶ حدیث ۴ باب اول از ابواب انفال مراجعه کنید



شیخ در تهذیب از سلیم بن قیس از علی (ع) نقل کرده است.

ولکن مرحوم طبرسی بعد از نقل روایت سابق می نویسد: وَقَالَ جَمِيعُ الْفُقَهَاءِ هُمْ يَتَامَى النَّاسِ عَامَةً وَكَذَلِكَ الْمَسَاكِينُ وَأَبْنَاءُ السَّبِيلِ وَقَدْ رَوَى ذَلِكَ أَيْضًا عَنْهُمْ " جَمِيعُ فُقَهَاءِ عَقِيدَةَ دَارِنْدَ كَهْ مَرَادُ اَزْ اِتَامَى وَ مَسَاكِينِ وَ اِبْنِ السَّبِيلِ ، يَتِيمَانِ وَ مَسَاكِينِ وَ اِبْنِ السَّبِيلِ اَزْ جَمِيعِ مَرْدَمِ مِی بَاشَد .

و برطبق این عقیده روایاتی نیز از ائمه (ع) نقل شده است " که آیه عمومیت دارد و بودن آنان از بنی هاشم شرط نیست مثل روایتی که از امام باقر (ع) نقل شده است .

" كَانْ اَبِي يَقُوْلُ لَنَا سَهْمٌ رَسُوْلِ اللّٰهِ وَ سَهْمٌ ذِي الْقُرْبَى وَ نَحْنُ شُرَكَاءُ النَّاسِ فَيَمَا بَقِي " یعنی " سهم رسول خدا و ذی القربی از آن ما است و ما در باقی این سهام با مردم شریک هستیم^۲

و از خود آیات این سوره، آیات ۸ و ۹ که سخن از فقرای انصار و مهاجرین بمیان آمده است استفاده می شود که سه سهم اخیری مخصوص بنی هاشم نیست و حکم عمومیت دارد .

و علاوه بر اینها طبق نقل مفسران، رسول اکرم بعد از جریان بنی النضیر، اموالی را که از آنها بجای مانده بود در میان مهاجرین که فقیر بودند و نیازمند و